

۳۳ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان بودجه

یاباج سیاسی؟

هر سال با رسیدن لایحه بودجه به مجلس، یک مناقشه تکراری، اما حل نشده دوباره جان می‌گیرد؛ اینکه پول عمومی کشور دقیقاً کجا خرج می‌شود و کدام نهادها، فارغ از کارنامه و میزان اثرگذاری شان، همچنان سهم‌های کلان و تضمین شده‌ای از منابع ملی می‌برند. رویداد ۲۴ نوشت، در شرایطی که اقتصاد ایران زیر فشار تورم، کسری بودجه و نارضایتی معیشتی قرار دارد، بودجه نهادهای فرهنگی بار دیگر به کانون توجه کارشناسان و افکار عمومی تبدیل شده است؛ نهادهایی که برخی از آنها سال‌هاست به‌رغم انتقادهای گسترده، نه تنها کوچک‌تر نشده‌اند، بلکه هر سال فربه‌تر از قبل از لایحه بودجه بیرون می‌آیند. در میان این نهادها، صداوسیما جایگاهی ویژه و بحث‌برانگیز دارد؛ سازمانی که بودجه‌اش همواره رو به افزایش بوده، اما پرسش‌های جدی درباره کارآمدی، شفافیت و پاسخگویی آن بی‌پاسخ مانده است. اکنون نیز با تقدیم لایحه بودجه از سوی دولت به مجلس، نگاه کارشناسان بیش از هر چیز به سمت بودجه نهادهای فرهنگی معطوف شده است. اهمیت این بخش از آن روست که میزان اعتبارات اختصاص یافته، تا حد زیادی کارکرد و جایگاه این نهادها را در جامعه مشخص می‌کند. سال‌هاست که اقتصاددانان بر این باورند بودجه نهادهای فرهنگی‌ای که اثرگذاری ملموسی در جامعه ندارند، می‌تواند کاهش یابد یا حتی حذف شود تا منابع آن در خدمت مسائل و اولویت‌های اقتصادی کشور قرار گیرد. با این حال، تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد که نه تنها از حجم این بودجه‌ها کاسته نشده، بلکه در بسیاری موارد افزایش نیز یافته است.

مناقشه بودجه

صداوسیما یکی از نهادهایی است که همواره حساسیت بالایی نسبت به بودجه آن وجود دارد. این حساسیت دست‌کم دو دلیل عمده دارد. نخست آنکه بسیاری از کارشناسان اقتصادی معتقدند با توجه به جایگاه رو به افول این سازمان در میان افکار عمومی، ضرورتی ندارد صداوسیما چنین بودجه‌های گزافتی دریافت کند. دلیل دوم مخالفان افزایش بودجه صداوسیما به ماهیت اقتصادی این سازمان بازمی‌گردد؛ نه‌ادی که از منظر اقتصادی در زمره مجموعه‌های زیان‌ده کشور قرار می‌گیرد و اختصاص چنین اعتباری به آن، توجیه اقتصادی روشنی ندارد. علاوه بر این، صداوسیما از مسیرهای متعددی درآمدزایی می‌کند؛ از جمله پخش آگهی‌های بازرگانی، اسپانسرینگ و سایر فعالیت‌های تبلیغاتی؛ درآمدهایی که در برخی موارد حتی از بودجه مصوب این سازمان نیز فراتر می‌رود. بر همین اساس، منتقدان بودجه‌ای دولت‌ها بر این باورند که تخصیص چنین منابعی به صداوسیما بیش از آنکه منطق اقتصادی داشته باشد، نوعی «یاباج سیاسی» است تا دولت‌ها با هزینه‌کرد عمومی، شدت حملات این سازمان علیه خود را کاهش دهند.

یاباج یا حمایت؟

در نقطه مقابل، موافقان افزایش بودجه سازمان صداوسیما بر این باورند که این نهاد مهم‌ترین بازوی تبلیغاتی به شمار می‌رود و به همین دلیل باید از حمایت مالی قابل توجه دولت برخوردار باشد. در همین چارچوب، احمد راستینه، نماینده مجلس، هنگام بررسی بودجه سال ۱۴۰۲ گفته بود: «آنچه مهم است و مجلس و دولت باید به آن توجه کنند این است که صداوسیما برای توسعه زیرساخت‌ها، افزایش و ارتقای شبکه‌های خود و همچنین تولید محتوا، نیازمند اعتبارات ویژه‌ای است و فکری کنیم باید به صورت جدی در اعتباراتی که برای صداوسیما پیش‌بینی شده، تجدیدنظر کنیم». این رویکرد که در دوره کنونی مجلس نیز دست بالا را دارد، به احتمال زیاد زمینه را برای تصویب بی‌درسر بودجه هنگفت سازمان صداوسیما فراهم خواهد کرد.

بودجه صداوسیما

بودجه سازمان صداوسیما در لایحه بودجه سال ۱۴۰۵، ۳۳ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان پیش‌بینی شده که نسبت به سال گذشته رشدی حدود ۴۰ درصد را نشان می‌دهد. بررسی بودجه سال‌های گذشته نیز بیانگر آن است که روند تخصیص اعتبارات به این سازمان همواره افزایشی بوده و تنها در دو سال اخیر، رشد حدود ۶۰ درصدی را تجربه کرده است. از مجموع این رقم، ۹ هزار میلیارد تومان به توسعه و تولید برنامه‌ها اختصاص یافته و علاوه بر آن، کمک ویژه‌ای به مبلغ ۲ هزار میلیارد تومان برای تولید آثار فرهنگی و پیش‌بینی عمومی در نظر گرفته شده است.

هادی حق شناس در گفت‌وگو با «آرمان ملی» مطرح کرد:

ارز تک‌نرخی ضد فساد



بودجه سال آینده موجب جهش تورمی

بیش از امسال نمی‌شود



داده شود و یک نرخ ارز در اقتصاد ایران وجود داشته باشد. بدون شک این تصمیم دولت موجب جهش قیمت کالاهای اساسی در بازار خواهد شد و دود آن به چشم مردم می‌رود. خصوصاً طبقه آسیب دیده و فقیر و زیر خط فقر که به صورت روزانه افزایش نرخ‌ها را در سفره‌های خود لمس می‌کنند و سبد کالاهای اساسی و مورد نیاز آنها هر روز کوچکتر از گذشته می‌شود. «آرمان ملی» به بهانه انتشار خبرهایی در مورد تصمیم دولت برای تک‌نرخ کردن نرخ ارز با هادی حق شناس اقتصاددان و استانداز کنونی گیلان گفت‌وگو کرده است. او ضمن حمایت از این طرح اقدام به بررسی نکات مثبت و منفی آن کرد که در ادامه می‌خوانید.

آرمان ملی - احسان استقایی: تلاطم بازار ارز در طول حدود یک ماه گذشته و افزایش حدود ۳۰ درصدی نرخ ارز و جهش نرخ کالا و خدمات در بازار در نتیجه این افزایش، باعث وضعیت اقتصادی نامطلوبی شده است. از سوی دیگر چندنرخ‌ی بودن ارز وضعیت بسیار نامطلوبی را برای اقتصاد ایران پدیدآورده است. به طوری که واردکنندگان خاص ارز دولتی و نیمایی دریافت می‌کنند اما اگر کالاهای اساسی با نرخ دلار آزاد وارد شود تفاوتی بین قیمت تمام شده آنها وجود ندارد و تنها در این میان واردکنندگان خاص هستند که سود می‌برند و دولت است که باید این ارز را در شرایط تحریم اقتصادی تأمین کند. اما مظاهر تصمیم گرفته شده که به نظام چندنرخ‌ی پایان

چندنرخ‌ی بودن ارز منشأ فساد است و از آن اجتناب می‌شود. در حال حاضر با توجه به چندنرخ‌ی بودن ارز، کالاهایی با ارز ۲۸ هزار تومانی وارد می‌شود اما بعضاً به نرخ آزاد به مردم عرضه می‌گردد و این یعنی فساد

ساختاری مهم توسط دولت است و نباید فراموش کنیم که تورم و گرانی براساس نرخ ارز آزاد تعیین می‌شود و نه براساس نرخ ارز دولتی یا تالار دوم و یا قیمتی پایین‌تر از نرخ ارز آزاد. مردم و دولت چوب تورم براساس نرخ دلار آزاد را می‌خورند اما شیرینی نرخ ارز یا رانه‌ای را نمی‌چشند و این مشکلی است که همواره در اقتصاد ایران وجود داشته خصوصاً زمانی که نرخ تورم از ۴۰ درصد فراتر رفته است.

درست است که این طرح کاملاً علمی است و باید اجرا شود اما در شرایط کنونی که تورم حدود ۵۰ درصد شده، چنین تصمیمی آیا به مردم، خصوصاً طبقه فرودست جامعه آسیب بیشتری وارد نمی‌کند؟

اگر این طرح اجرایی شود به طور یقین افزایش قیمت خواهیم داشت اما اگر دولت تدبیر کند و این مورد را به درستی اجرا و بر آن نظارت کند، این گرانی می‌تواند آثار کوتاه‌مدت داشته باشد. راه جبران آن است که یارانه افراد کم‌درآمد جبران شود. به عنوان مثال همین بنزین که سه‌نرخ‌ی شد و نرخ سوم ۵ هزار تومن شد، شوک تورمی خاصی ایجاد نکرد، اما بخشی از گام اصلاح قیمت اگر چه کوچک بود اما برداشته شد و به نظر می‌رسد این افزایش قیمت همان طور که دولت اعلام کرد برای دولت مهم نبود بلکه گام برداشتن به سوی قیمت واقعی برای مقابله با قاچاق بنزین از یکسو و مقابله با اسراف واقعی که چند خودرو دارند، لازم و ضروری بود لذا دولت باید به دهک‌های کم‌درآمد برای کاهش آثار تک‌نرخ‌ی کمک کند و راه آن نیز مشخص است.

مردم و دولت چوب تورم براساس نرخ دلار آزاد را می‌خورند اما شیرینی نرخ ارز یا رانه‌ای را نمی‌چشند و این مشکلی است که همواره در اقتصاد ایران وجود داشته، خصوصاً زمانی که تورم از ۳۰ درصد فراتر رفته است

هادی خانیکی:

صدای مردم در حکومت شنیده نمی‌شود

و مطالعه ملی به دست آمده است که نشان می‌دهد سبک زندگی، دینداری، میزان مصرف رسانه‌ای و فرهنگی، نگاه به انتخابات و احساس عدالت در جامعه ایران تغییر کرده است. وی با تشریح عوامل اجتماعی مؤثر بر سیاست‌های اصلاح‌طلبانه در «اکنون خطیر» ایران بیان کرد: در این شرایط باید بدانیم در کدام زمین سیاست می‌ورزیم و سیاست‌ورزی در خلأ انجام نمی‌شود. یکی از اشتباهات ما این است که زمانه خود را نمی‌شناسیم. نخستین الزام سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبانه، شناخت وضعیت کنونی است؛ ایران در وضعیت آرامی قرار ندارد و با «اکنون خطیر» مواجه است. خانیکی افزود: سیاست‌ورزی امروز، اجتماعی شدن سیاست است. این استاد دانشگاه گفت: در همه سطوح جامعه

اصلاح‌طلبان وجود داشت؛ اینکه وارد انتخابات شوند و به آقای همتی کاندیدای آن زمان رأی دهند یا وارد انتخابات نشوند. در آن مقطع، سه پرسش اساسی مطرح شد؛ اینکه اقدام سیاسی چه زمینه اجتماعی دارد، تکلیف ما چیست و اصلاح‌طلبان چه باید کنند. خانیکی ادامه داد: در همان مقطع مقرر شد مطالعه‌ای برای آسیب‌شناسی اصلاحات در ایران انجام دهیم که هم‌زمان با بیماری من شد و این کار در بیمارستان ادامه پیدا کرد. نتیجه این آسیب‌شناسی نشان داد که در طول ۳۰ سال تلاش اصلاح‌طلبان، جامعه ایران به جامعه‌ای متکثر، متنوع و سیال تبدیل شده و در این بیت ساختار حزبی در آن شکل نگرفته است. این استاد دانشگاه بیان کرد: این نتیجه بر اساس ۲۴ پژوهش

رویارویی ایران و آمریکا در شورای امنیت

ساداتیان: دیپلماسی را نباید تعطیل کرد

آمریکا در جلسه اخیر شورای امنیت به شرط غنی‌سازی صفر ایران، آمادگی خود را برای مذاکرات مستقیم با تهران اعلام کرد؛ موضوعی که توسط ایروانی رد شد. اکو ایران نوشت: در همین خصوص جلال ساداتیان، در گفت‌وگو با اکوایران با ارزیابی مواضع اخیر ایران و آمریکا تأکید کرد که تکرار مواضع گذشته از سوی واشنگتن نشانه‌ای از تغییر راهبردی نیست؛ همچنین اعلام قطع گفت‌وگوها می‌تواند پیامدهای منفی سیاسی و اقتصادی به همراه داشته باشد. مورگان اورتگاس، معاون فرستاده ویژه دونالد ترامپ در خاورمیانه، در شورای امنیت گفت: ایالات متحده همچنان آماده برگزاری مذاکرات رسمی با ایران است، اما تنها در صورتی که تهران آماده گفتگوی مستقیم و هدفمند باشد. او افزود: با این حال، ما در مورد انتظارات خاص خود برای هرگونه توافق شفاف بودیم. مهم‌تر از همه، هیچ غنی‌سازی اورانیومی نمی‌تواند در داخل ایران انجام شود و این اصل برای ما باقی می‌ماند.

واکنش ایروانی

در واکنش، امیر سعید ایروانی، سفیر ایران در سازمان ملل اعلام کرد که آمریکا با اصرار بر عدم غنی‌سازی اورانیوم، به دنبال مذاکرات منصفانه نیست. او گفت: ما برای هرگونه مذاکره منصفانه و جدی ارزش قائلیم اما اصرار بر سیاست عدم غنی‌سازی با حقوق ما به عنوان عضوی از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای سازگار نیست و این یعنی آنها به دنبال مذاکرات منصفانه نیستند. به دلیل حملات نظامی اسرائیل و آمریکا در جنگ ۱۲ روزه علیه ایران، غنی‌سازی ایران متوقف شد، اما تهران تأکید دارد باید حق غنی‌سازی این کشور پذیرفته شود. ایران قبل از جنگ، ۶۰ درصد غنی‌سازی می‌کرد که هنوز سرنوشت اورانیوم‌های این شده پس از جنگ مشخص نیست. آمریکا در روز اول تیر، سه مرکز هسته‌ای اصفهان، نظنز و فردو را بمباران کرد. ایران نیز بعد از جنگ با ورود بازرسان آژانس به مراکز هسته‌ای بمباران شده خود مخالفت کرد. این موضوع باعث اختلاف و تنش میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شد و در آخرین جلسه شورای حکام آژانس نیز طرحی علیه ایران تصویب شد. ایران هم اکنون هیچ غنی‌سازی ندارد. قبل از جنگ، ایران و آمریکا ۵ مرحله مذاکره درباره هسته‌ای داشتند اما بی نتیجه بود. این مذاکرات توسط نمایندگان ایران و آمریکا - عباس عراقچی و استیو ویتکاف - در مسقط و رم انجام شد.

گفت‌وگو و التهاب بازار

یک دیپلمات پیشین و کارشناس مسائل سیاست خارجی با اشاره به اظهارات اخیر مقامات آمریکایی و ایرانی تأکید کرد: آنچه از سوی نمایندگان آمریکا مطرح می‌شود، تکرار همان مواضع پیشین است و نمی‌توان این سخنان را نشانه‌ای جدی از تغییر رویکرد واشنگتن تلقی کرد. جلال ساداتیان، گفت: طرح دو موضوعاتی همچون «غنی‌سازی صفر» یا محدودسازی توان موشکی ایران، مسبوق به سابقه است و پاسخ ایران نیز همواره مشخص بوده و است. در کنار آن، بحث‌هایی درباره همکاری‌های منطقه‌ای نیز همواره از سوی طرف آمریکایی مطرح شده و است. وی در ادامه با اشاره به اظهارات اخیر عباس عراقچی مبنی بر قطع پیام‌ها و گفت‌وگوها، گفت: چنین اعلام موضوعی باید با احتیاط و بدون هیجان مطرح شود؛ چرا که آثار دیپلماسی، سیاسی و اقتصادی مخربی به همراه دارد. وی عنوان کرد: این اظهارات به‌طور طبیعی آثار روانی منفی بر بازار ارز برجای می‌گذارد و به ایجاد التهاب در بازار دارد. هر چند بخشی از نوسانات بازار ارز ریشه در عوامل داخلی دارد، از جمله عملکرد شرکت‌های صادراتی مانند پتروشیمی‌ها و فولادی‌ها در ایفای تعهدات ارزی، اما نمی‌توان تأثیر مستقیم سیگنال‌های منفی سیاسی را نادیده گرفت. سفیر سابق ایران در لندن ادامه داد: وقتی اعلام می‌شود گفت‌وگوها قطع شده، در حالی که از سوی دیگر آمریکا همچنان به تعهدات خود پایبند نبوده و مواضع متناقضی اتخاذ می‌کند، این پیام به بازار مخابره می‌شود که شرایط سیاسی در مسیر تشدید تنش قرار دارد. در حالی که جمهوری اسلامی ایران همواره اعلام کرده در چارچوب قوانین و ضوابط مشخص، آماده مذاکره بوده و هست. این کارشناس سیاست خارجی درباره امکان احیای مذاکرات میان ایران و آمریکا تصریح کرد: همچنان می‌توان برای بازگشت به میز مذاکره شانسی قائل بود. او تأکید کرد که استفاده از چهره‌های باتجربه دیپلماتیک، از جمله محمد جواد ظریف می‌تواند در پیشبرد روند مذاکرات مؤثر باشد. ساداتیان همچنین به دیدار احتمالی دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو اشاره کرد و گفت: با توجه به اینکه نشست اخیر میان نمایندگان ایران و آمریکا خروجی مثبتی نداشت، این احتمال وجود دارد که در دیدار ترامپ و نتانیاهو بحث درباره موضوعات مختلفی از ایران نیز مطرح شود. او هشدار داد: نتانیاهو همواره به دنبال افزایش علیه ایران بوده و اهداف و خواسته‌های او کاملاً روشن است. وی تأکید کرد: تعطیل کردن دیپلماسی و واگذار کردن میدان به بازیگران تندرو، خطای راهبردی است. جمهوری اسلامی ایران نباید متغفلانه منتظر اقدامات دیگران بماند، بلکه باید هم‌زمان با خنثی‌سازی اقدامات خصمانه، ابتکار عمل دیپلماتیک خود را نیز حفظ کند. ساداتیان با انتقاد از رویکرد دیپلماسی غیرفعال، اظهار کرد: این تصور که صرفاً با ابزارهای سخت‌افزاری می‌توان همه چالش‌ها را مدیریت کرد، نادرست است. ایران از ظرفیت‌های گسترده‌ای برای دیپلماسی فعال برخوردار است که باید از آنها استفاده شود. وی ادامه داد: به عنوان نمونه فعالیت‌های رسانه‌ای و تحلیلی اخیر محمد جواد ظریف، از جمله سخنرانی‌اش در کشورهای منطقه و مقاله اخیر او در فارن افرز نشان می‌دهد که می‌توان بدون توقف رسمی مذاکرات نیز در عرصه دیپلماسی اثرگذار بود. او در پایان خاطرنشان کرد: توقف کامل تحرکات دیپلماتیک، به‌ویژه در شرایط حساس منطقه‌ای و بین‌المللی، به نفع منافع ملی کشور نخواهد بود و لازم است سیاست خارجی ایران با رویکردی فعال، چندلایه و هوشمندانه به پیش برود.